

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران اثری ارزشمند است که نقد و تحلیل آن فرصت فراوان می‌خواهد. همچنان که تألیف این کتاب سالهای بسیاری از عمر مؤلف را اشغال می‌کند. نظم و نگارش ۲۳۰ سال از تاریخ ایران کاری سترگ و کوششی با اعتبار است و همت و حوصله نویسنده در تدوین چنین اثری درخور تقدیر تواند بود. ابوالفضل بیهقی گوید:

«تواریخ خراسان اسرار امور است. چنان که اطباء از بیماریهای گذشتگان که افتاده باشد و اطبای بزرگ آن را علاج کرده، دستور سازند و بدان اقتدا کنند و آن را امام دانند، همچنین وقایعی که افتاده باشد و سعادت‌تی که در عهد گذشته مساعدت نموده، اسباب آن بدانند و از آنچه احتراز باید کرد. احتراز کنند... و هر که از علایم تواریخ اعراض کند دست زمانه

# تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران

از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس

مؤلف: ابوالقاسم طاهری

ناشر: شرکت سهامی کتابهای جیبی

قطع: بزرگ ۴۰۶ صفحه



بروی دراز شود - لاجرم هر که در تاریخ نامل کند در هر واقعه که او را پیش آید نتیجه عقل جمله عقلای عالم به وی رسیده باشد و دست غوغا و لشکر وقایع و حوادث از تاراج ذخایر فکرت او بسته باشد .

\*\*\*

بعد از مرگ تیمور نواده اش پیرمحمد می باید که وارث امپراطوری پهناوری شود. در این زمان از چهار پسر تیمور قسطنطنیه «میران شاه» و «شاهرخ» زنده بودند. «میران شاه» به سبب اعمال ناشایست بسیار واز آنجمله ویران کردن بناهای تاریخی تبریز و بیرون آوردن جنازه خواجه «رشیدالدین فضل الله» از گور و به خاک کردن جنازه خواجه رشید در گورستان یهودیان تبریز - با خشم پدر برخورد کرده بود و گوشه نشین بود و امیدی به جانشینی او نمی رفت .

سه سال بعد از مرگ تیمور فرزند او خلیل سلطان که جوانی لایق بود برعمو - زاده اش پیرمحمد شورید و خود را جانشین واقعی تیمور خواند - پادشاهی خلیل سلطان چندان به طول نیانجامید و اندکی پس از این رویداد ، شاهرخ چهارمین فرزند تیمور بر برادرزاده غاصب مسلط شد و در اندک زمانی سراسر متصرفات پدر را فرمانبردار خویش گردانید .

شاهرخ ۳۳ سال پادشاهی کرد . آنگونه که در تاریخ ضبط شده است - شاهرخ پادشاهی دانش پرور ، صلحجو و عدالت گستر بود و در ترمیم خرابیهای که به هنگام لشکر کشیها و جنگهای پدرش بر ایران وارد آمده بود کوشید . و چنین گویند که شاهرخ گرایش فراوان به هنرهای زیبا به ویژه موسیقی ، نقاشی و معماری داشت - عبدالقادر مراغه ای و استاد یوسف خلیل نقاش و استاد قوام الدین شیرازی هنرمندانی بودند که شاهرخ شاه - ارج بسیار برایشان قائل بود .

الغیبه پسر ارشد شاهرخ ، راه پدر را ادامه داد ، عبداللطیف ( پسر الغیبه ) پدر را گرفتار کرد و به قتل رسانید اما به سزای پدر کشی اش رسید و در برابر هجوم سلطان ابوسعید ( ۸۷۲ - ۸۵۵ ) تاب مقاومت نیاورد - در معرکه های شکست خورد و جان خویش را هم از دست داد - سلطان ابوسعید از پادشاهان بنام تیموری است - وی بیشتر ایام پادشاهی خود را صرف جنگ با خویشاوندان کرد . به موازات این برادر کشیها و کشمکشها که در داخل خانواده تیمور صورت می گرفت دو دسته از ترکمانان نیز در ایران قدم بردانگی

برافراشته بودند و میخواستند سراز طوق بندگی جانشینان تیمور بر تابند . مشهورترین این ترکمانان ، خانواده قرایوسف مشهور به سیاه گوسفندان ( قره قویونلو ) بود که زمزمه مخالفت آنها پس از مرگ تیمور آغاز گردید . سلسله سیاه گوسفندان در سال ( ۸۷۳ ه . ق ) منقرض شد . در عرض یکصد سالی که از نخستین ایلغار تیمور بر خوارزم تا انقراض سیاه گوسفندان طول کشید ، سرزمین ایران که از یک سو به سیحون و جیحون و از سوی دیگر تا دجله و فرات ، از یک سمت تا قلب هندوستان و از سمت دیگر تا جلگه های ارمنستان ممتد می شد پس از تاب آوردن در برابر هجومهایی بنیان افکن و خانمان بر انداز دوبار قدمدانی برافراشت و میلیونها مردمی که مرگ عزیزان و ویرانی و چپاول شهرهای ثروتمند خود را بچشم دیده بودند از زیر آن بارهای روان - فرسا کمر راست کردند و بار دیگر نشان دادند که هجومها ، کشتارها ، محاصره ها ، قحطیها و زلزله ها ممکن نیست ارکان اساسی تمدن ملتی را که وارث آداب و عادات و سنتهایی کهن است متزلزل سازد .

تیمور صرف نظر از ترکی زبان فارسی را به خوبی می دانست و از شعر و نثر فارسی لذت می برد ، اما از زبان و ادبیات عربی بهره ای نداشت . بواسطه علاقه وی و جانشینانش به ادبیات فارسی ، در عرض یکصد سال سمرقند پناهگاه امن و قبله امیدی برای شاعران فارسی زبان گردید . چون خود تیمور عربی نمی دانست و در ضمن گفت و شنودهای علمانی که به دور خود گرد آورده بود به اهمیت زبان و ادبیات عربی آشنائی پیدا کرده بود دانشمندان تازی نویس ایران را تشویق کرد .

سر حلقه این گروه از نویسندگان تازی دان سعدالدین محمود تفتازانی است که به واسطه احاطه اش به سه زبان فارسی و عربی و ترکی در سراسر امپراطوری پهناور تیمور بی نظیر بوده است . این دوران را باید درخشانترین سده های ادبی از لحاظ شعر و نثر فارسی به شمار آورد - این دوره با مرگ عبید زاکانی آغاز می شود . سلمان ساوجی ، گامی تیشابوری ، عمادالدین فقیه کرمانی ، کمال خجندی . شاه نعمت الله ولی ، ابن یسین و جامی و سر آمد ایشان و غزلسرای بزرگ ایران خواجه شمس الدین حافظ هنرمندان و شاعران به نام این دوران هستند . حافظ که به احتمال زیاد در سال ( ۷۹۱ ه . ق ) درگذشت نه تنها برجسته ترین شاخص مکتب فصاحت و

بلاغت این عهد است بل بهترین فردیست که توانسته است ناکامیها و نابسامانیهای دوران تیموری را در لابلای اشعار لطیف و آسمانی خود برای ما مجسم کند . تا آنجا که می دانیم حافظ تمامی دوره عمر خود را در شیراز گذرانید و شاهد روی کار آمدن و زوال دولت دودمانهای متعددی بود .

مؤلف ضمن تشریح وضع خفتان آمیز عصر حافظ بدین اشارت میرسد که شاعر ناگزیر بود که به جای شخص یا اشخاص معین «سمبول» برای خود برگزیند و تمامی دردها و شکایتهای خویش را در پرده و به کنایه بیان کند . درباره هنر معماری در این عصر - مؤلف یاد آور می شود که مسجد گوهرشاد در مشهد - شبستان مسجد جامع در اصفهان و مسجد کبود در تبریز . از شاهکارهای معماری این دوران محسوب می شود . شناخت نقاشی ایران عهد تیموری جز بادرک معیارهای اصلی هنرمندان آن عهد میسر نمی شود و اطلاق معیارها و موازین جدید هنری بر آثاری که از بهزاد و سایر نقاشان بزرگ این دوره برجا مانده است کاری بیهوده مینماید کمال الدین بهزاد که به احتمال زیاد بیسن ( ۸۵۵ و ۸۶۰ هجری ) بدنیآ آمد خود موجد انقلاب بزرگی در نقاشی ایران گردید .

بهر حال به خوبی می توان پی برد که در عرض سالیان درازی که از نخستین هجوم تیمور بر ایران آغاز و به انقراض سلسله سیاه گوسفندان ختم گردید چنان ذوق هنردوستی بر چون جنگاوری و عشق به هنر پروری بر هوس خونریزی غالب آمد و چگونه پس از خوابیدن هنگامه جنگ ، ذوق هنرمندان ایرانی شیوه هایی در کاشی سازی و زرگری و فلزکاری به وجود آورد که سمرشق هنرمندان سوریه و مصر قرار گرفت و زمانی که پای هنرمندان ایرانی به عثمانی و از آن جا به اروپا باز شد کبکبه هنر ایران سراسر آن دیار را تسخیر کرد .

\*\*\*

درباره روابط ایران با کشورهای بیگانه - در کتاب «تاریخ سیاسی اجتماعی ایران» چنین میخوانیم : باینکه فرزندان تیمور پس از ایشان شاهان دودمان ترکمان یعنی سیاه گوسفندان و سپید گوسفندان گاه به گاه با فرمانروایان عیوی رابطه داشته اند اما عهد امیر حسن بیگ بایندی مشهور به اوزون حسن را باید مهمترین فصل در تاریخ روابط دیپلماتی میان اروپا بویژه جمهوری ونیز با ایران دانست - ده سال

لکی نمودار نبود . دوپارچه دیگر یکی ده قیراط و دیگری دوازده قیراط وزنداشت . و پس از من پرسید که آیا در شهر ونیز چنین جواهراتی یافت می شود ؟ پاسخ دادم خیر ... »

در اواخر ماه رمضان ۸۸۲ امیرحسن بیگ در بستر مرگ افتاد . از هفت تن پسران حسن بیگ « زینل بیگ » و « اغورلو محمد » در گذشته بودند لذا کشور پهناور ایران عهد بایندری به سایر فرزندان او یعنی « خلیل » ، « یعقوب » - « مقصود » - « یوسف » - « مسیح میرزا » میرسید . خلیل میرزا جانشین پدر شد که مردی بغایت خسیس - بخیل - بی مروت و بی تدبیر بود - و سرانجام نیز به هلاکت رسید . بعد از او « یعقوب » پسر دیگر امیرحسن بیگ به اریکه سلطنت تکبیه کرد . او هنرمندان و سخنسرایان را بسیار گرامی میداشت و به هنردوستی و ادب پروری شهره بود . کسانی چون « امیر همایون » - « مولا شهیدی » - « درویش دهکی » ، « میر متبول حبیبی » ، و « مولا بنائی » از شاعران بزرگی بودند که در آن عهد زندگی میکردند - حتی شاعران بزرگی مثل عبدالرحمن « جامی » که دور از پایتخت و دربار یعقوب بودند از لطف و عنایت این پادشاه بی نصیب نماندند .

در کتاب تاریخ سیاسی ایران از دو واقعه بسیار مهم در دوران پادشاهی یعقوب سخن بمیان آمده است ، یکی قیام « شیخ حیدر » و دیگر اصلاحات ارضی .

شیخ حیدر فرزند شیخ حنیده و نبیره شیخ صفی الدین اردبیلی بود که در این زمان نفوذ و اعتبار فراوانی بهم رسانده بود و هر روز که میگذشت اقتدارش فزونی میگرفت . طبعاً این اقتدار بمذاق یعقوب خوشایند نبود و سرانجام روزی برآمد که یعقوب به خشم آمد و لشکر بسیار نیرومندی برای سرکوبی « شیخ حیدر » به سرداری « سلیمان بیگ بیژن » روانه شیروان کرد - بر خورد دو سپاه ۶ ساعت بیشتر بطول نیانجامید . لشکریان حیدر بکلی شکست خوردند و تار و مار شدند - و حیدر به قتل رسید اصلاحات ارضی عهد یعقوب که پس از قیام شیخ حیدر مهمترین رویداد دوران زمامداری جانشینان حسن پادشاه است طبق قدیمترین سندی که در دست داریم در سال ( ۸۹۴ ه . ق . ) همزمان با دومین لشکر کشی سرداران یعقوب « امیر خلیل صوفی » و ولی آقا « ایشک آقاسی » به گرجستان صورت گرفت - از زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان رسم بر این جاری شده بود که یا زمین را به سرداران

بعد از فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح . سنای ونیز مرد با تجربه ای را به نام کویرینی به سفارت ترده شاه بایندری روانه ساخت . گرچه تبادل سفیران میان ونیز و ایران افق روابط سیاسی میان دو کشور را روشن کرد و وسیله ای برای نفوذ و گسترش هنر ایرانی به ایتالیا فراهم ساخت اما این امر منجر به عقد هیچ قرارداد یا تبادل هیچ نوع کمکی نشد .

عاملی که این اتحاد را ضروری ساخت و حکومت « ونیز » را به فرستادن سفیران و نمایندگان گوناگونی برانگیخت هجوم لشکریان عثمانی بر جزیره یونیا واقع در مجمع الجزایر یونان بود که نزدیک به سه قرن در قبض تصرف ونیزیان بود .

کویرینی و سفیرانی که پس از وی متوجه دربار ایران گردیدند ، از آن جمله « باربارو و کاترینورینو » تعلق به عهد درخشان پادشاهی امیر حسن بیگ بایندری دارند .

\*\*\*

امیر حسن بیگ سر کرده دودمان سفید گوسفندان در عرض ۱۵ سال دست حریره نیرومند خویش جهان شاه سیاه گوسفند را از کار کوتاه کرد و شر مردی را که به گفته بیشتر تاریخ نویسان عهد به واسطه انحرافات جنسی و اخلاقی نام سلطنت را ننگین ساخته بود از سر مردمان بی بناد و تیره روز بخش بزرگی از ایران دفع کرد . از فرزندان جهان شاه « محمدی میرزا » و « یوسف میرزا » هنگام دستگیر شدن پدر به دست دلاوران ایل سفید گوسفند افتادند . اولی به سزای کارهای ناشایست کشته شد و دومی که بار بزه های سبکتر بود از بینائی محروم گردید . باز پسین شاهزاده خاندان سیاه گوسفندان بنام حسنعلی نیز بدست « حسن بیگ » به قتل رسید و دودمان سیاه گوسفندان به خاموشی گرائید . ( ۸۷۳ ) حسن بیگ که پادشاهی دلیر و مردی ادب دوست بوده است ده سال دوران پادشاهی اش بطول می انجامد ( ۸۷۲ : ۸۸۳ ) از نوشته های سفیرانی چون « جوزافا باربارو » و « کنتاریتی » پیداست که تیریز عهد بایندری رونق از دست رفته را بازمی یابد . شرحی که جوزافا باربارو در پیرامون شکوه و حشمت دربار و دارایی آن وبه ویژه جواهر خزانه شاهی در سفرنامه اش نوشته بسیار جلب نظر می کند . « جوزافا باربارو » درباره جواهرات خزانه شاهی می نویسد :

« پادشاه سه پارچه الماس ناتراشیده بهمن نشان داد که یکی از آنها وزنش به سی قیراط می رسید و در زیر رویش هیچ گونه



و امیران تفویض کنند و یا عواید و مالیاتهای گرافاز رنجبران و کشاورزان و دامپروران، و بالاخره روستاییان اخذکنند. امراء از محل این درآمدها هزینه سپاهیان را میپرداختند و مستمری خود را بر میداشتند از دوران مغول به بعد بر اساس اقطاع، بخشیدن سیورغال معمول گردید و از این پس سیورغال بر هر قطعه زمین یا ملک، اطلاق می شد که عین آن یا عواید حاصل از آن را در ازای حقوق یا مستمری به سردار یا امیر یا افسری دیوانی تفویض کنند.

یعقوب شاه - «شیخ عیسی ساوجی» - «شیخ نجم الدین مسعود» و «شرف الدین محمود دیلمی» مأمور سروصورت دادن به وضع اراضی مالکان شدند و در عمل طرح اینان که با منافع نیرومندترین عناصر طبقه زمیندار تضاد داشت با برخورداری ناهنجار این طبقه مواجه شد. این تضاد و کشمکش بجائی رسید که بعد از مرگ یعقوب در هشتم ربیع الاول «شیخ عیسی ساوجی» بدار آویخته شد.

\*\*\*

فتر ادبی و فکری صفویه معلول بی-اعتنائی شاه اسمعیل صفوی به زبان و ادبیات فارسی بوده است - برخی از محققان مانند «ادوارد براون» و «ارنولد توین بی رغبت شاه اسمعیل را به زبان ترکی، و ترویج و تشویق ترکی را برسبیل زبان درباری از سوی او شکفت انگیز و جالب یافته اند. ترویج و تعمیم تشیع در زمان شاه اسمعیل اختلافهای جهان اسلامی را دامن زد و خطمشی و مسیر سیاست عثمانی را تغییر داد و سرانجام تمامی آن جهان بزرگ را که ممکن بود صدها سال در برابر گرایشهای تجاوزکارانه امپراطوریهای بزرگ عیسوی پایداری کند متلاشی کرد.

بعد از مرگ شاه اسمعیل، شاه طهماسب برجای پدر نشست. طهماسب بسیار خردسال بود و نمی توانست سیاست و تدبیری داشته باشد. در آغاز دوران پادشاهی وی میان طوایف «تکلووروملو» از یک طرف و استاجلوها از طرف دیگر دشمنی و کینه شدید وجود داشت، بطوری که افراد این طایفهها کرارا به کشتار و تجاوز بر یکدیگر مبادرت می جستند. طهماسب ۵۳ سال سلطنتش به طول انجامید.

روش او در ملکداری چنان بود که توانست توازن و تعادلی در رقابت طوایف مختلف ایجاد کند و وضعی پدید آورد که رقابت و خصومت قبائل نتواند پایه های سلطنت وی را متزلزل کند. مرگ شاه طهماسب

در پانزدهم صفر ۹۸۴ و در ۶۴ سالگی اتفاق افتاد.

زمانی که خداینده پادشاه فرزند ارشد طهماسب تاج بر سر نهاد بزرگان کشور و لشکر از اخلاق و رفتار وی آگاه گردیدند و ناشایستگی وی برای اجرای امور خطیر پادشاهی بر همگان آشکار شد - خداینده مردی درویش خصلت بود و ضعف نفسی داشت که دست به دست ضعف بینائی داد و میدان را برای دخالتها و بلند پروازیهای زش «مهدعلیا خیرالنسیبگم» بازگذاشت و همین امر مقدمات زوال پادشاهی وی را فراهم ساخت. نخستین علامت انحطاط آشکار شدن فساد و بی انضباطی در میان سرخ کلاهان بود.

\*\*\*

در آخرین گفتار کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از رستاخیز هنرهای زیبا و جنبه های اجتماعی زندگی ایرانیان در عهد «شاه عباس» سخن رفته است.

در این عهد مباحث کاملاً جدیدی ساخته می شود که از لحاظ تربیبات کاشی-کاری کاملاً بی سابقه بود - مانند مسجد شیخ لطف الله که به همت محمدرضا پسر استاد حسین اصفهانی به اتمام رسید. از خصوصیات این ساختمان بی نظیر کتیبه های داخلی و خارجی آن است به خط ثلث از علیرضای عباسی که بی شک از بزرگترین خطاطان عهد شاه عباس است.

به امر شاه عباس در بالای زاینده رود در سمت مغرب شهر معماران به احداث دولتخانه مشغول شدند و متدرجا به توسعه میدان و ایجاد گردشگاهها پرداختند. به طوری که سی سال بعد یعنی در ۱۰۳۶ ه. ق. که توماس هربرت اصفهان را به چشم دید این شهر را چنین توصیف کرد، «این شهر با میدان بزرگ شاه و عمارت هفت آشکوبه عالی قابو و دو مسجد عظیم «شیخ لطف الله» و «مسجد شاه» و گردشگاه چهارباغ به صورت یکی از عجایب هفتگانه جهان درآمده است.»

در دوران شاه عباس مبارزه متصوفان و از بین بردن نفوذ آنان به حدی شدید بود که مهر سیصد ساله ای که نسبت به تصوف وجود داشت از بین رفت و جای خود را به کین داد. برای نمونه «ملا محمد باقر مجلسی» که یکی از عالمان متعصب شیعی عهد صفویه است به کشتن صوفیان فتوا میداد. - از لحاظ کمیت آثار و قدرت فکر و نفوذ در حکمت الهی سده های بعد، صدرالدین شیرازی مشهور به ملا صدرا را باید سرآمد حکیمان امامی ایران به شمار آورد.

«ملا صدرا» بیش از چهل مجلد کتاب و رساله در معقول و منقول دارد که مشهورترین آنها مفاتیح الغیب، اسرار کلیات و شرح اصول کافی است.

بهر حال شاه عباس که به نیکبختی و عدالت مشهور است نباید تصور کرد که در همه حال از اخلاقیات پیروی می کرد. عشق شدید وی به حفظ نظم و آرامش واز بین برداشتن مخالفان گاهی او را متوسل به خدعه و ترویج می کرد چنانچه در مورد خان سرکش فارس یعقوب ذوالقدر برغم سوگند نامه ای که به خط و مهر خویش و به توسط شیخ بهائی پیش خان فرستاده بود حریف را فریفت و سه روز هم در نهایت احترام در شیراز با وی رفتار کرد، و سپس دستور داد که بعد از این پذیرائی ها او را به زندان بيفکنند و به قتل رسانند. مؤلف کتاب معتقد است که برغم همه خشونتها و ستمگریهایی که گاه به گاه از جانب حکومت بروز میکرد مردم محنت کشیده ایران در خلال چهل و دو سال پادشاهی این مرد از عدالتی نسبی برخوردار بودند. کنجکاوای و اشتیاق شاه عباس به دانستن جزئیات زندگی مردم و دیدارهای مکرر وی به طور ناشناس یا غیر منتظر سبب پیدایش يك رشته اساطیر کم نظیر گردیده است با مرگ شاه عباس عهد زرین صفوی به پایان آمد.

\*\*\*

کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس ۱۲ فصل دارد و ۵ پیوست و يك کتابنامه و يك فهرست راهنما.

در پایان هر فصل منابع مورد استفاده - توضیح داده می شود آنگونه که خواننده جستجوگر می تواند از آن بهره فراوان بگیرد - کتاب ۴۰۶ صفحه دارد - و در قطع بزرگ نشر شده است - مؤلف (ابوالقاسم طاهری) آثار تاریخی دیگری نیز ترجمه و تالیف کرده است که از آن جمله اند: تاریخ جهان نو - تاریخ مردم شناسی - اوج مسیحیت - عصر ظلمت - میراث قرون وسطی - انحطاط و ستوط امپراطوری روم.

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس) آخرین تحقیق مؤلف است. امید است سایر مؤلفین و نویسندگان نیز همتی بدرقه راه کنند و به معرفی گوشه های ناشناخته ای از تاریخ سرزمین ما دست یازند، که چنین مساعی ارجحاری همیشه در محضر اهل نظر مشكور و ماجور تواند بود.

## د لټور ریش و حدیث شریف (بقیه)

عناصرك كرين این فضای آلوده و مسموم با هوای پاك و زلال طبیعت بزرگ خود نوعی آفرینش و خفقت تازه است و احتیاج به نوعی رسالت و پیامبری دارد و رسالت و پیامبری هیچگاه از شهادت جدا نیست . و شهادت نه تنها از ضوابط طبیعت‌های کوچک خارج است بلکه با علامات جهانی آسمانهای معمولی روزگار ما نیز جور در نمیآید .

\*\*\*

بدو سه‌نکته نیز ناچار اشاره میکنم محض تذکار و جهت انباه :  
اول آنکه در صفحه ۱۵۳ کتاب جناب آقای دکتر ریش نویسنده از محمود ابوالفتح صاحب کتاب قضیه ناصر بعنوان نویسنده و روزنامه‌نگار معروف مصری و یکی از کسانی که پایه‌های قدرت ناصر را استوار کردند یاد میکند که سپس بقول ایشان « به سنت تغییرناپذیر تاریخ تقریباً همه

آنها زیر همان قاسین هول‌آوری به در روستادری ان سعی چند ...  
له شدند . »

آقای پاینده محمود ابوالفتح را از کسانی میدانم که : سالی چند هنگام و همدل هسآهنگ رژیم ناصری بوده و طبعاً از همه دقیق و خفایای آن خبر دارد .

این تعبیر و تعریف نویسنده از محمود ابوالفتح بکلی نادرست است . زیرا محمود ابوالفتح و برادرش احمد ابوالفتح صاحبان روزنامه‌های بنام المصری بودند که این روزنامه ارگان حزب وفد برهبری مصطفی النحاس پاشا بود ، و هیچگونه همکاری و رابطهای نه قبل از خلع فاروق و نه بعد از آن یا ناصر و گروه افران آزاد نداشتند - زیرا چه این گروه با حزب وفد و رهبران آن نظیر نحاس پاشا و سراج‌الدین پاشا از مالکین بزرگ اراضی پنبه، وچ: رهبران وفد با این گروه از نظر هدف و روش سیاسی در دو قطب مخالف قرار داشتند . بهمین دلیل محمود ابوالفتح بعد از تغییر رژیم باروباگریخت و در صف مخالفین رژیم نظیر مرتضی المرعسی وزیر کشور قبل از کودتا بفعالیت علیه رژیم جدید مصر پرداخت .

دوم آنکه حواله اظهارنظرهای نویسنده نسبت بر رژیم مصر در صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ با تشییع جنازه ناصر و دهها تفسیر مفران مخالف العقیده روزنامه‌های غربی .

وسوم اینکه در صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸ شعرای مداح یا مداحان شاعر را بباد انتقاد میگیرد . ولی خود جایجا زمینه داستان خود را پنهانای برای گریز بسائلی که باآمال هدفی جز نفع شخصی و حفظ موقعیت نویسنده ندارد قرار داده‌است .  
و بطور مستقیم و صریح خواننده را بر سر علامات و نشانه‌هایی از تناقض گونی‌های غیر صمیمانه و غیر صادقانه خود میبرد .  
و پنجم آنکه و ششم آنکه و هفتم آنکه و و و و ...

قابل توجه دیلمه‌ها ، فکر کنید ،

تصمیم بگیرید ، و یک عمر انگلیسی

### صحبت کنید

موسسه انگلیسی نژاد با روش مخصوص در کلاسهای کتراتی دوره کامل زبان انگلیسی ( ۱۴ ترم ) شامل : خواندن ، نوشتن مکالمات روزمره را فقط در مدت ششماه الی یکسال با تضمین کتبی در اوقات مناسب و باسهل ترین شرایط بشما یاد میدهد . کلاسهای مخصوص محصلین دبیرستانی : از کلاس اول تا ششم دبیرستان در مدت یکسال قبولی زبان انگلیسی با نمره عالی تضمین میگردد به داوطلبین یکدوره ماشین نویسی مجانی تعلیم داده میشود و تمام کتب دوران تحصیالی بطور رایگان تقدیم میگردد . لطفاً قبلاً نام نویسی فرمائید . شروع کلاسهای جدید زیر نظر دبیران انگلیسی .

اوقات کلاسهای جدید : ۱۵ دیماه  
صبحها ۸ تا ۱۰ - ۱۰ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱ - ۳  
تا ۴ - ۵ تا ۷ - ۷ تا ۹ بعد از ظهرها ، جمعه‌ها  
۹ تا ۱۲ ظهر .  
خیابان بهلوی مقابل کاخ مرمر تلفنهای  
۰۴۳۰۸۶ و ۰۴۷۱۴۹ .



# باغ اسکانس

جوایز بلیطهای اعانه ملی مخصوص روزمادر




## جایزه قهرمان شانس باغ اسکانس و پیکان اختصاصی ۳۰۰ هزار تومان جایزه ممتاز